

بیشتر از چهار سده، دولت ساسانی یکی از دو دولت بزرگ جهان متمدن آن روز (در آسیای غربی) بوده است که مرزهای آن در مشرق، تا دره رود سند و پیشاور و در شمال شرقی، گاهی تا کاشغر کشیده شده بود.

در شمال غربی، تا کوه‌های قفقاز و در بند در ساحل دریای خزر و گاهی نیز، تا دریای سیاه می‌رسید و در مغرب، رود فرات به‌طور کلی مرز این دولت با حکومت روم و جانشین آن یعنی روم شرقی با بیزانس بود. البته گاهی این مرز بسیار گسترده تر از رود فرات می‌رفت و گاهی نیز به این سوی فرات منتهی می‌شد، اما با چشم پوشی از کشش‌ها و فشرده‌گی‌ها می‌توان رود فرات را مرزی طبیعی بین دو دولت بیزانس و ساسانی دانست.

چگونگی تشکیل سلسله ساسانی با افسانه پیچیده شده است. طبق روایات، ساسان جد اردشیر، مقام بالایی در معبد اناهید استخر داشت. او با دختر یکی از امیران محلی ازدواج کرد و بر قدرت خود اضافه کرد و با انجام یک کودتا، رهبری کارها را به دست گرفت.

پس از او بابک به‌جای ساسان نشست و بر قدرت خود در پارس اضافه کرد. بابک دو پسر به نام‌های شاپور و اردشیر داشت که شاپور در حادثه‌ای جان خود را از دست داد و سپس اردشیر جانشین شد. اردشیر به‌جای پدر حاکم پارس شد و در سه جنگ دنبال هم، اردوان پنجم اشکانی را شکست داد و به‌جای او نشست. اتحادیه‌ای که توسط خسرو اول، شاه ارمنستان با کمک سکاها، کوشانیان و کمک رومی‌ها برپا شد، از نابودی حکومت اشکانی پیشگیری نکرد و فرمانروایی ایران مجدداً به دست قوم پارس افتاد و ساسانیان خود را جانشین بی‌رقیب هخامنشیان معرفی کردند.

اردشیر با تاسیس سلسله ساسانی، خود را جانشین هخامنشیان دانست.

اردشیر با ثابت کردن قدرت، شهرهای نصیبین و حران را از دست نیروهای روم درآورد. او ارتشی منظم تشکیل داد و توسط آن پایه‌های امپراتوری خود را تثبیت و اهداف خود را یکی بعد از دیگری به انجام رساند و بعد با انتخاب پسرش شاپور به جانشینی، از سیاست کناره گرفت.

## قلمرو امپراتوری ساسانی

شاپور اول ساسانی جانشین پدر شد. در دوره شاهی اردشیر، حملات خارجی، ایران را تهدید می‌کرد. کوشانیان که قدرت بسیاری در شرق داشتند از یک طرف و ارمنستان و روم از طرف دیگر، تهدیداتی جدی علیه دولت ساسانی به حساب می‌آمدند. شاپور اول دقت خود را به‌سوی کوشانیان جلب کرد و به قلمرو آن‌ها حمله کرد. شاپور با یک لشکرکشی بسیار موفق شد دولت کوشانیان را از بین ببرد و بعد به سراغ غرب رفت.

با قتل گردیانوس، امپراتوری روم، فرصت بزرگی برای شاپور اول به وجود آمد. وی توانست از دوره فترت پس از قتل امپراتوری روم، استفاده کند و بین‌النهرین و ارمنستان را از رومی‌ها دوباره پس بگیرد. شاپور س از گذشت پانزده سال باز با رومی‌ها درگیر شد و توانست موفقیتی بسیاری را به دست بیاورد. تسخیر شهرهای انطاکیه و سوریه و اسارت والرین، امپراتور روم، به‌همراه ۷۰ هزار سرباز رومی در نزدیکی الرها، نتیجه آن جنگ بود.

پس از شاپور اول، پسران وی هر مزد اول و بهرام اول حکومتی کوتاه مدت را دست گرفتند؛ ولی اطلاعات زیادی در مورد زندگی و فعالیت‌های آن‌ها در دست نیست. بهرام دوم در جنگ با روم شکست خورد و ارمنستان و بین‌النهرین را مجدد به رومی‌ها واگذار

کرد. بهرام سوم هم چند ماه حکومت کرد و به دست نرسی از میان رفت. نرسی در جنگ با روم شکست خورد و قسمتی از ارمنستان را از دست داد. سپس، تا ۴۰ سال میان ایران و ارمنستان، جنگی اتفاق نیفتاد. پس از نرسی، هرمز دوم شاه شد؛ ولی خیلی زود درگذشت و حکومت به شاپور دوم ساسانی رسید.

در این زمان پسر بچه کوچکی به نام شاپور دوم در ایران به سلطنت رسید. وی نخست اعراب را از ایران بیرون کرد و تا نزدیکی یثرب (مدینه) پیش رفت. آنگاه میان رودان را از سربازان رومی خالی کرد و به ارمنستان لشکر کشید.

از دیگر شاهان مهم ساسانی می‌توان به بهرام گور اشاره نمود که مانع از حمله ترکان گردید و به هندوستان (کرانه‌های سند) لشکر کشید. خسرو انوشیروان یمن را با ۸۰۰ نفر از زندانیان محکوم به اعدام فتح نمود. او دو بار به روم لشکر کشید و تا بندر لاتکیه در گرجستان جلو رفت.

بعد از خسرو اول، پسرش هرمز به تخت نشست. هرمز بیشتر از هر شاه دیگری مردم دار و رعیت نواز بود. نوشته‌اند که در عهد هرمز هزاران نفر از بزرگان کشوری و لشکری نابود شدند. به این صورت راه برای نابودی او هموار گردید. بهرام چوبین از سرداران فاتح هرمز در جنگ با ترکان، قدرت را برای مدتی کوتاه از دست ساسانیان بیرون کشید.

خسرو دوم پسر هرمز به کمک رومیان سلطنت خود را از دست بهرام خارج کرد. آخرین شاه قدرتمند ساسانی خسرو پرویز است. خسرو به خون خواهی قیصر روم، سوریه، کیلیکیه، لیدیه و مصر را متصرف شد.

خسرو پرویز به دست پسرش گوات دوم (قباد دوم) یا شیرویه کشته شد. بعد از قباد در طول چهار سال سیزده نفر بر ایران حکومت کردند که دو نفر آنان ملکه بودند. در آخر دولت ساسانی با حمله تازیان در زمان یزدگرد سوم بعد از ۴۰۰ سال به پایان رسید.

### علل سقوط ساسانیان

سقوط امپراتوری ۴۰۰ ساله ساسانیان توسط قدرت دینی جدید بسیار باعث تعجب و خارج از انتظار بود. تاریخ ساسانیان با سقوط امپراتوری آنها اتفاق افتاد. یک قرن قبل از آن که این اتفاق بیفتد، مقدمات آن آماده شده بود. دلایل گوناگونی برای تمام شدن تاریخ ساسانیان وجود داشت. بعضی از این دلایل عبارتند از:

امپراتوری ایران مدرتب مشغول جنگ با امپراتوری بیزانس بود.

منابع مادی و انسانی و همین طور امید به علت این جنگ‌های مرتب از بین رفته بود.

جنبش مزدک و سرکوب آن جامعه ایرانی را نسبت به بزرگان و موبدان انتقام جو بدبین کرده بود.

محصولات کشاورزی و داد و ستدهای تجاری به علت نبود امنیت کم شده بود.

گسترش سکونتگاه‌های شهری به تدریج زندگی را برای طبقه متوسط اجتماعی یعنی دهقانان دشوار نموده بود.

روستاییان و صنعتگران باید به جای قرار داشتن در خط تولید در خدمت ارتش می‌بودند.

تبعیض طبقاتی مانع از رشد استعدادها در نوآوری‌ها می‌شد.

مالیات‌های سنگین فقرا را فلج کرده بود در حالی که طبقه ثروتمند جامعه از پرداخت آن معاف بودند.

قدرت شاه به علت دخالت‌های نظامیان در مسائل مدنی کاهش پیدا کرده بود.

فساد و ریاکاری موبدان آتشکده، که نقش مهمی در اهرم قدرت داشتند، برای همه آشکار شده بود.

مردم دیگر به روحانیون زرتشتی اعتماد نداشتند.

پروپاگانداى اقلیت های مذهبی در برابر حاکمیت روحانیون و واکنش های آنان سبب شد که مردم نسبت راستی و درستی دین زرتشتی شک کنند.

### ایران در زمان ساسانیان ( فرهنگ و تمدن )

دولت ساسانی، آخرین مرحله یک سلسه دگرگونی های بسیار بود که در دوران اشکانیان در زیر پوسته ای از تمدن یونانی حرکت نموده و در آخر به این مرحله رسیده بود. در این مرحله از تحولات مورد اشاره، عناصر تمدن یونانی تقریباً از تشکیلات ایرانی خارج شده و قسمتی از آن تغییر کرده و یا عنصری جدید را تشکیل داده بود.

زمانی که اردشیر رهبری حکومت را به دست گرفت، کشور ایران دارای یک وحدت ملی شد. و آثار خاص این شکل در اجزاء حیات اجتماعی و معنوی ایرانیان ایجاد شد. با توجه به مراتب بالا، جایگزینی دو سلسه نه فقط یک اتفاق سیاسی، بلکه علامتی از پیدایش روح تازه ای بود که در شاهنشاهی ایران دمیده شد. دولت ساسانی در دو مورد بر حکومت اشکانی امتیاز و برتری داشت:

تمرکز و وحدتی قدرتمند و استوار

۲. برپایی یک دین رسمی که دین زرتشت بود.

چنانچه مورد اولی را برگشت به سنت های دوران داریوش کبیر برداشت کنیم، مورد دوم حتماً از ابتکارات ساسانیان بود، و نباید در این مورد شکی داشت. ولی این ابتکار خود نتیجه تکامل آهسته مسیری بود که در این مرحله از زمان انجام شد. در طی چهار قرن که دولت بنیاد یافته اردشیر به حرکت خود ادامه می داد، شرایط زندگانی عمومی و اداره کشور دستخوش تغییرات زیادی گردید، ولی در کلیات و اصول، همان بنیان اداری و اجتماعی که به وسیله مؤسس این دودمان تاسیس و تکمیل شد، تا پایان دوران ساسانیان به یک صورت باقی ماند.

### طبقات در دوره ساسانیان

تقسیم بندی طبقات در دوره ساسانی به همان شکل است که در اوستا آمده است، طبقات چهارگانه ساسانی عبارت بودند از: ۱- روحانیون ۲- جنگیان (ارتشتاران) ۳- مستخدمان اداری (دبیران) ۴- توده مردم (روستاییان یا واستریوشان)، صنعتگران و شهروندان که به هوتوخشان که هر یک از طبقات چهارگانه خود به چندین دسته تقسیم می شد. به صورت کلی جامعه عصر ساسانی جامعه ای طبقاتی بود که نظام کاستی به شدت در آن انجام می شد. البته به جز طبقه بندی های بالا که گفته شد در زمان شاپور هم نوعی طبقه بندی وجود داشته است. که به ان اشاره می کنیم.

شهرداران که فرمانروایانی بودند که از سوی شاه بر قسمت های گوناگون حکومت می کردند.

واسپوهران یا رؤسای طوایف که صاحبان املاک گسترده بودند.

وزرگان (بزرگان) که صاحب منصبان بزرگ دولت، روسای اداره ها و وزرا می شد.

آزادان یا نجیب زادگان که ظاهراً اسواران که افسران لشکر بودند نیز در همین طبقه جای می گرفتند.

واستریوشان که همان توده ملت یعنی روستاییان، صنعتگران، شهروندان و دهقانان بودند.

در واقع چنانچه دیدی واقع بینانه داشته باشیم خواهیم دانست که جامعه آن روزگار به دو طبقه کلی تقسیم می شد. طبقه فرادست که شامل خاندان شاهی خاندان های قدیمی حاکمان ولایات و مقامات دولتی و نظامی می شدند. و با نام بزرگان از آنها یاد می شد. و طبقه فرودست؛ که توده مردم بودند و شامل: کشاورزان، صنعتگران و پیشه وران می شد.

ولی آنچه در ساختار اجتماعی ساسانیان نشان می دهد؛ تبعیض طبقاتی بسیاری است که ماهیت مردم دوستی آنان را زیر سوال می برد تا آن اندازه که صعود از طبقه فرودست به طبقه فرادست کاری غیر ممکن بود.

### هنرها و فنون دوران ساسانی

از مهمترین آثار به جای مانده از دوران ساسانیان ، ساختمانهای بزرگی است که از سنگ و گچ ساخته شده اند. این ساختمانها که شامل آتشکده ، کاخ و قلعه می باشند در جاهای مختلف ایران دیده می شوند. در دوره ساسانی شهرهای مختلفی ساخته شد که همه آنها دارای برج و بارو و دیگر امکانات دفاعی بودند. مثل بیشاپور و فیروز آباد(پیروز آباد) در استان فارس ، گندیشاپور ، تیسفون و مثل آنها.

در این شهرها آتشکده ، کاخ و قلعه هایی وجود داشته که هنوز آثار آنها وجود دارد. کاخ مدائن در نزدیکی بغداد ، قلعه دختر در نزدیکی فیروز آباد و آتشکده فیروز آباد از جمله آنهاست. از بنا های مهم دوره ساسانی گندیشاپور بود که مرکز علمی و آموزشی و به قولی نخستین دانشگاه جهان بوده است.



گرد آوری: بخش فرهنگ و هنر و بسایت بیتوته